

مطالعه‌ی تطبیقی ویژگی‌های زنان و مردان سرپرست خانوار به تفکیک مناطق شهری و روستایی در سرشماری ۱۳۹۵

محدثه عابدی دیزناب*، محمد عباسی و ملیحه علی‌مندگاری

دانشگاه یزد

چکیده: از جمله تغییرات جمعیتی که دهه‌های اخیر در بیش‌تر کشورهای دنیا از جمله ایران در حال وقوع است، پدیده‌ی خانوارهای زن سرپرست است که به دلایل مختلفی رو به فزونی است. ۱۲/۱ درصد خانوارهای ایرانی در سال ۱۳۹۰ زن سرپرست بوده‌اند که این رقم در سال ۱۳۹۵ به ۱۲/۷ درصد افزایش یافته است. در این پژوهش با روش تحلیل ثانویه‌ی داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ به مطالعه‌ی تطبیقی ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی زنان و مردان سرپرست خانوار در کل کشور ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بیش‌ترین نسبت درصد خانوارهای زن سرپرست مربوط به مناطق شهری با ۱۲/۷ درصد و بیش‌ترین نسبت درصد خانوارهای مرد سرپرست مربوط به مناطق روستایی با ۸۷/۴ درصد می‌باشد. سرپرستی مردان در گروه‌های سنی میانی در بالاترین حد خود قرار دارد و برخلاف زنان با افزایش سن (گروه‌های سنی ۷۵ سال و بیش‌تر) بار مسئولیت سرپرستی خانوار از دوش مردان کاسته شده است. بیش از ۴۰ درصد زنان سرپرست خانوار، خودسرپرست بوده و به تنهایی زندگی می‌کنند، در حالی‌که این نسبت برای مردان بسیار پایین است. بیش از ۷۰ درصد مردان سرپرست خانوار شاغل هستند، در حالی‌که این نسبت برای زنان ۱۲ درصد می‌باشد. زنان سرپرست خانوار همچنین از سطح سواد کم‌تری نسبت به مردان سرپرست خانوار برخوردارند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که میزان اشتغال و سطح سواد پایین خانوارهای زن سرپرست می‌تواند کیفیت زندگی این خانوارها را تحت تأثیر

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات

دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۸، پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۳.

قرار دهد و نیاز به برنامه‌ریزی اصولی و به‌موقع جهت رسیدگی به وضعیت این خانوارها توسط سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امری ضروریست.

واژگان کلیدی: سرپرست خانوار؛ وضع فعالیت؛ سطح سواد؛ مناطق شهری و روستایی؛ سرشماری ۱۳۹۵.

۱- مقدمه

از جمله تغییرات جمعیتی در چند دهه‌ی اخیر که اکثر کشورهای دنیا از جمله ایران تجربه نموده‌اند تغییر در سرپرستی خانوار است. چنان‌که از نتایج سرشماری‌ها و آمارگیری‌های نمونه‌ای برمی‌آید خانوارهای زن سرپرست در حال افزایش بوده که همین مسئله توجه اکثر کارشناسان و جمعیت‌شناسان را به خود جلب کرده و ضرورت توجه به این قشر از زنان بیش‌تر کرده است.

بر اساس تعریف مرکز آمار ایران در سرشماری‌ها و آمارگیری‌های نمونه‌ای، سرپرست خانوار عضوی از خانوار است که اعضای خانوار وی را به این عنوان معرفی می‌کنند. در مواردی که اعضای خانوار کسی را به‌عنوان سرپرست معرفی نکنند، مسن‌ترین فرد در بین اعضا به‌عنوان سرپرست شناخته می‌شود. در غیر این صورت سرپرست خانوار بر اساس اظهار پاسخگو تعیین می‌شود که لزوماً مسن‌ترین عضو خانوار نیست و می‌تواند زن یا مرد باشد. در خانوارهای یک‌نفره، همان فرد به‌عنوان سرپرست خانوار به شمار می‌رود. سرپرست خانوار معمولاً مسئولیت تأمین تمام یا بخش عمده‌ای از هزینه‌های خانوار یا تصمیم‌گیری درباره‌ی نحوه‌ی هزینه کردن درآمد خانوار را به عهده دارد. بر اساس این تعریف خانوارهای زن سرپرست خانوارهایی هستند که در آن یک زن سرپرستی و مسئولیت اداره‌ی خانوار را به عهده دارد.

در سال‌های اخیر سهم خانوارهای زن سرپرست از کل خانوارهای ایرانی روندی صعودی داشته است. توزیع نسبی خانوارهای زن سرپرست که بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵، نزدیک به ۸/۴ درصد بوده در سرشماری ۱۳۹۰، به ۱۲/۱ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ۱۲/۷ درصد از کل خانوارهای کشور رسیده است. در کنار رشد کمی این پدیده، تغییرات کیفی در ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی این گروه از زنان از قبیل ترکیب سنی، تحصیلی و درآمدی و فقر اقتصادی بخش قابل‌تأملی از این خانوارها، این موضوع را به مرور و بیش از پیش

از یک پدیده‌ی اجتماعی نسبتاً طبیعی به موضوعی اجتماعی از جنس آسیب تبدیل کرده است. اهمیت نهاد خانواده و نقش سرپرست در اداره و تأمین نیازهای اصلی اعضا از یک سو و وجود تبعیض‌های جنسیتی، محدودیت‌های حقوقی و عرفی و نابرابری در عرصه‌های مختلف اجتماعی- اقتصادی برای زنان در بیش‌تر جوامع و نیز کشور ما از دیگر سو، آسیب‌پذیری بخش قابل توجهی از این جامعه را سبب شده و توجه مسئولان و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است [۱].

در پی تغییرات اجتماعی و جمعیتی گسترده‌ای که ایران در سال‌های گذشته تجربه نموده است، تغییرات فراوانی در نسبت زنان سرپرست خانوار نیز ایجاد شده است. همزمان با این تغییرات به‌طور خاص می‌توان زنانه شدن سالمندی و به تبع آن زنانه شدن سرپرستی خانوار در میان جمعیت سالمند و گسترش سرپرستی خانوار توسط زنان به دلیل فوت همسر، عدم ازدواج زنان و مجرد باقی ماندن آنان با افزایش میزان طلاق را مشاهده کرد. درآمد کم‌تر خانوارهای زن سرپرست موجب فقر نسبی آن‌ها نسبت به خانوارهای مرد سرپرست می‌شود.

پرداختن به موضوع خانوارهای زن سرپرست بیش از هر چیز نیازمند در اختیار داشتن آمارهایی در خصوص ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی زنان سرپرست و اعضای خانوارهایی است که آنان سرپرستی آن را برعهده دارند. از سوی دیگر مقایسه‌ی ویژگی‌های این خانوارها با خانوارهای مرد سرپرست کمک شایانی در فهم وضعیت زنان و خانوارهای تحت سرپرستی آن‌ها خواهد کرد. از این‌رو در این پژوهش تلاش می‌شود با روش تحلیل ثانویه‌ی داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ به مطالعه‌ی تطبیقی ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی زنان و مردان سرپرست خانوار در کل کشور ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی پرداخته شود و به این وسیله تصویری دقیق و شفاف از این قشر آسیب‌پذیر جهت دستیابی به تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مبتنی بر شواهد عینی و علمی ارائه شود. جامعه‌ی آماری این پژوهش زنان و مردان سرپرست خانوار کل کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی است. این پژوهش در پی پاسخگویی به چند سؤال زیر است.

- آیا نحوه‌ی توزیع گروه‌های سنی زنان سرپرست خانوار با مردان در مناطق شهری و روستایی کل کشور متفاوت است؟ در واقع آیا زنان در سنین بالاتر و مردان در سنین پایین سرپرست خانوار شده‌اند؟

- آیا نحوه‌ی توزیع تعداد افراد تحت تکفل، در بین خانوار زن سرپرست و خانوار مرد سرپرست متفاوت است؟
- آیا تعداد افراد شاغل در بین خانوار زن سرپرست و خانوار مرد سرپرست متفاوت است؟
- آیا تعداد افراد باسواد در بین خانوار زن سرپرست و خانوار مرد سرپرست متفاوت است؟

۲- مروری بر مطالعات پیشین

پیروز و همکاران به مطالعه‌ی روند تحولات اشتغال زنان و شاخص‌های عمده‌ی نیروی کار زنان در ایران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴ پرداختند. در این مطالعه با روش تحلیل ثانویه‌ی داده‌های موجود در نشریات آمارگیری نیروی کار، روند تحولات فعالیت و اشتغال زنان در جامعه‌ی ایران طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴، بررسی شده است. یافته‌ها بیانگر روند کاهشی نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ اشتغال زنان است به‌گونه‌ای که نرخ فعالیت زنان از ۱۷ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۱۳/۳ درصد در سال ۱۳۹۳ و نرخ اشتغال آنان از ۹/۸۲ درصد به ۳/۸۰ درصد طی همین دوره کاهش یافته است. بررسی اشتغال زنان در دو بخش خصوصی و عمومی طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴ نشان می‌دهد سهم اشتغال زنان در بخش خصوصی بسیار بیش‌تر از بخش عمومی است [۳].

سیدمیرزایی و همکاران به بررسی رابطه‌ی میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار شهر ایلام پرداختند. تکنیک تحلیل عامل نشان داد حمایت خانواده، اعمال قانون و توانمندی زنان در امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیر به‌سزایی دارد. فقر زنان سرپرست خانوار تنها فقر اقتصادی نیست و فقر این زنان دارای ابعاد چندگانه‌ی اجتماعی، روانی و فرهنگی هم هست. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که میانگین امنیت جانی و مالی در بین زنان سرپرست خانواری که درآمد بالایی دارند بیش‌تر است [۵].

تاتینا بلداجی و همکاران برای تعیین کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی تعداد ۱۲۰ زن سرپرست خانوار را در دو گروه شاغل خدماتی و تحت پوشش سازمان بهزیستی در شهر تهران به‌عنوان نمونه انتخاب

کردند و به این نتیجه دست یافتند که زنان سرپرست شاغل خدماتی و زنان سرپرست تحت پوشش دارای کیفیت زندگی متوسطی هستند، اما در زنان شاغل خدماتی این میزان بالاتر است [۲].

کاشانی‌نیا و علیا به مطالعه‌ی عوامل استرس‌زا و رابطه‌ی آن‌ها با کیفیت زندگی زنان سرپرست خانواده و زنان غیرسرپرست در منطقه‌ی غرب شهر تهران پرداخته‌اند. نمونه‌های مطالعه ۶۰ زن است. ابزار گردآوری داده‌های پرسش‌نامه‌ی کیفیت زندگی، مقیاس عوامل استرس‌زا و پرسش‌نامه مشخصات دموگرافیک مورد استفاده قرار گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانواده نسبت به زنان غیرسرپرست میزان استرس بیشتری را در زمینه‌ی مسایل اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، جسمی-روحي و خانوادگی متحمل می‌شوند. عمده‌ترین عامل استرس‌زا در زنان سرپرست خانواده مسایل اقتصادی و در زنان غیرسرپرست خانواده مسایل جسمی و روحی است. هم‌چنین زنان سرپرست خانواده از کیفیت زندگی پایین‌تری نسبت به زنان غیرسرپرست در ابعاد سلامتی و عملکردی، اقتصادی اجتماعی، روحی روانی و خانوادگی برخوردارند [۷].

رضایی قادی در پژوهشی میدانی به بررسی شاخص‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار عضو کمیته امام خمینی شهرستان اسلام‌شهر پرداخت و شاخص‌های توانمندی زنان را در چهار بعد روانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مورد بررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که زنان بیش‌تر از مردان در معرض فقر و کلیشه‌های جنسیتی قرار دارند، از این‌رو توانمند کردن زنان سرپرست خانوار صرفاً از لحاظ اقتصادی اهمیت ندارد، بلکه این گروه از افراد آسیب‌پذیر در بعد فرهنگی و اجتماعی خصوصاً در بعد روانی نیاز به توانمند شدن دارند [۴].

صادقی در مطالعه‌ی خود با عنوان «زنان سرپرست خانوار و آسیب‌های اجتماعی و فردی پیش روی آن‌ها» که سرشماری‌های سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ و نظریه‌های جامعه‌شناسی مرتبط با زنان سرپرست خانوار را مورد بررسی قرار داد به این نتیجه رسید که آسیب‌های اقتصادی (کمبود درآمد، نداشتن شغل مناسب، عدم بهره‌مندی از مسکن مناسب، فقر و غیره) در واقع مهم‌ترین مسئله‌ای است که زنان سرپرست خانواده با آن مواجه هستند. یکی دیگر از آسیب‌ها، آسیب‌های اجتماعی نظیر وجود نگرش منفی دیگران است. زنان سرپرست خانوار در مقایسه با دیگر زنان اختلال‌های روان‌شناختی (افسردگی، اضطراب، انزوا و شکایت‌های جسمانی) بیش‌تری تجربه کرده‌اند. این اختلال‌های ناشی از فقر،

درآمد ناکافی، عدم حمایت اجتماعی و نگرش منفی اجتماعی است. هم‌چنین وجود نگرانی در مورد آینده‌ی فرزندان، وضعیت تحصیل و ازدواج آنان، از مشکلات خانوادگی دیگری است که این زنان با آن درگیرند [۶].

معیدفر و حمیدی در تحقیق خود با عنوان زنان سرپرست خانوار و ناگفته‌های آسیب‌های اجتماعی به مشکلات این زنان پرداختند. یافته‌های این مطالعه بیان می‌کند که قسمت بزرگی از دل نگرانی‌ها و دغدغه‌های این زنان به مسأله اقتصاد و مسائل پیرامونی آن مانند مسکن و بیکاری معطوف می‌شود. یکی دیگر از مشکلات این زنان بدن‌هایشان است. این زنان و فرزندان آنان از میزان بیش‌تری از استرس، اضطراب، افسردگی و دیگر ناآرامی‌های روانی رنج می‌برند و فرزندانشان نمی‌توانند رابطه‌ی سالمی با مادران خود داشته باشند [۹].

نازک‌تبار و ویسی در پژوهشی با عنوان «وضعیت اجتماعی فرهنگی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان مازندران»، ۲۷۹۲ نفر از زنان سرپرست خانوار را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که به ترتیب اولویت، عامل وضعیت اجتماعی، فرهنگی و آموزشی، عامل وضعیت اقتصادی، عامل کارآفرینی و عامل وضعیت رفاهی از جمله عوامل تأثیرگذار بر وضعیت زنان سرپرست خانوار استان مازندران بوده‌اند. در نتیجه‌ی مسائل اجتماعی، فرهنگی و آموزشی زنان سرپرست خانوار به لحاظ اهمیت موضوع، در صدر تمامی مسائل و مشکلات زنان سرپرست خانوار قرار گرفته است [۱۰].

استرلین و آنگلکسو در پژوهش خود به بررسی رابطه‌ی میان کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار و رشد اقتصادی در بین آنان پرداخته‌اند. آن‌ها در پاسخ به این سؤال که رشد اقتصادی، کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار (اعم از مادی، بهداشتی، آموزشی، سیاسی و ...) را تا چه اندازه تحت تأثیر قرار خواهد داد عنوان می‌نمایند با بهبود وضعیت اقتصادی در بین این زنان، این زنان توانسته‌اند زمان بیش‌تری را صرف رسیدگی به خود و فرزندانشان کنند و چنین امری موجب ایجاد انگیزه توجه به جنبه‌های فرهنگی، آموزشی و تربیتی خود و فرزندانشان می‌شود. از سوی دیگر آنچه اغلب در بین زنان سرپرست خانوار دیده می‌شود اضطراب و نگرانی نسبت به آینده خود و فرزندانشان است که با بهبود وضعیت اقتصادی آنان از دغدغه آنان در این زمینه کاسته می‌شود و هم‌چنین از

آسیب‌پذیری آنان و فرزندانشان در برابر آسیب‌های اجتماعی و روانی مانند افسردگی، اضطراب، محرومیت از تحصیل و سوءتغذیه کاسته خواهد شد [۱۲].

ژان و شرادن در پژوهشی با عنوان دارایی‌ها، انتظارات و دستاوردهای آموزشی کودکان در خانوارهای سرپرست خانوار به بررسی رابطه دارایی‌های مادر (مالکیت خانه و پس‌انداز) و انتظارات مادر از موفقیت تحصیلی کودک و نتایج واقعی آموزش کودکان در خانوارهای زن سرپرست خانوار می‌پردازد. تجزیه و تحلیل داده‌ها از نظرسنجی ملی خانواده‌ها و خانوارها نشان می‌دهد که دارایی‌های مادران با موفقیت تحصیلی کودک مرتبط است و ارتباط مثبت درآمد خانوار با نتایج کودکان به‌طور عمده از طریق دارایی‌های مادر رخ می‌دهد. نتایج این مطالعه از گسترش سیاست‌های مبتنی بر دارایی برای زنان فقیر با کودکان حمایت می‌کند [۱۳].

دگراف و بیلسپورو خانواده‌های زن سرپرست و رفاه خانواده در روستای اکوادور را مورد بررسی قرار دادند. برای اولین بار استدلال‌های نظری برای این‌که چرا سرپرستی زن بر رفاه خانواده تأثیر می‌گذارد، بازبینی شده است. یافته‌های توصیفی نشان داد که خانوارهای دارای زن سرپرست با توجه به معیارهای رفاهی مختلف اوضاع بدتری دارند. در مورد ثبت‌نام مدرسه کودکان به‌عنوان یک معیار رفاه اجتماعی تمرکز کرده‌اند و مدل چند متغیره‌ای را برای ارزیابی اثربخشی زنان در مورد احتمال ثبت‌نام برآورد کردند. نتایج نشان داد که کودکان در خانوارهای زن سرپرست در این زمینه محروم هستند و تأثیر سرپرستی زنان بر متغیرهای وضعیت زناشویی زن متفاوت است [۱۱].

مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده خلاء پژوهشی در زمینه‌ی مطالعه‌ی تطبیقی ویژگی‌های زنان و مردان سرپرست خانوار ایرانی به تفکیک مناطق شهری و روستایی را نشان می‌دهد. از این‌رو در این مقاله، سعی بر این است که با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۹۵، برخی ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی زنان و مردان سرپرست خانوار در کل کشور ایران و به تفکیک مناطق شهری و روستایی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۳- یافته‌های پژوهش

از آن‌جا که هدف این پژوهش مطالعه‌ی تطبیقی ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی زنان و مردان سرپرست خانوار کل کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی

است، بنا بر این وضعیت سرپرستی خانوار مناطق شهری و روستایی به تفکیک گروه‌های سنی زنان و مردان سرپرست، نسبت باسوادی و اشتغال در خانوارهای زن و مرد سرپرست، تعداد افراد تحت تکفل زنان و مردان سرپرست خانوار مناطق شهری و روستایی مورد توصیف و مقایسه قرار می‌گیرند.

با توجه به اطلاعات جدول ۱، در سال ۱۳۹۵، سرپرستی ۱۲/۶۹ درصد خانوارهای کل کشور بر عهده زنان است. بیش‌ترین نسبت درصد خانوارهای زن سرپرست مربوط به مناطق شهری با ۱۲/۷ درصد و کم‌ترین مربوط به مناطق روستایی با ۱۲/۵ درصد است. در مقابل بیش‌ترین نسبت درصد خانوارهای مرد سرپرست مربوط به مناطق روستایی با ۸۷/۴ درصد و کم‌ترین آن مربوط به مناطق شهری با ۸۷/۲ درصد است.

جدول ۱- توزیع فراوانی و نسبی خانوارهای زن سرپرست و مرد سرپرست به تفکیک مناطق شهری، روستایی و کل کشور در سرشماری ۱۳۹۵

مناطق	کل کشور		مناطق شهری		مناطق روستایی	
	توزیع فراوانی	توزیع درصدی	توزیع فراوانی	توزیع درصدی	توزیع فراوانی	توزیع درصدی
خانوارهای زن سرپرست	۳۰۶۱۷۵۳	۱۲/۶۹	۲۳۰۳۲۹۳	۱۲/۷۴	۷۵۶۴۵۱	۱۲/۵۳
خانوارهای مرد سرپرست	۲۱۰۶۷۷۳۷	۸۷/۳۱	۱۵۷۷۲۴۹۴	۸۷/۲۶	۵۲۸۱۶۴۴	۸۷/۴۷
کل	۲۴۱۲۹۴۹۰	۱۰۰	۱۸۰۷۵۷۸۷	۱۰۰	۶۰۳۸۰۹۵	۱۰۰

در جدول ۲، توزیع نسبی سرپرستان خانوار در کل کشور و مناطق شهری و روستایی به تفکیک گروه‌های سنی در سال ۱۳۹۵ ارایه شده است. سرپرستی مردان در گروه‌های سنی ۳۰ تا ۵۰ سالگی در بالاترین حد خود قرار دارد و برخلاف زنان با افزایش سن، بار سرپرستی از دوش مردان کاسته می‌شود. این در حالی است که سرپرستی زنان در گروه‌های سنی ۵۰ سال به بالا روند افزایشی به خود می‌گیرد. بالاترین درصد سرپرستی زنان مربوط به مناطق روستایی و گروه سنی ۷۵ سال و بیش‌تر (۲۰/۷ درصد) است. در حالی که مردان سرپرست خانوار مناطق شهری در گروه سنی ۳۴-۳۰ سالگی بیش‌ترین درصد سرپرستی را در مقایسه با مناطق روستایی و کل کشور دارا بوده‌اند.

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که با افزایش سن بر تعداد زنان سرپرست خانوار افزوده می‌شود. این وضعیت با توجه به تفاوت امید زندگی در زنان و مردان قابل پیش‌بینی است. زنان میانسال و سالمند در شرایطی سرپرستی خانوار را به عهده می‌گیرند که از کیفیت زندگی آن‌ها کاسته شده و خود نیاز به مراقبت پزشکی، رفاه اقتصادی و اجتماعی، امنیت روانی و غیره دارند و با بار مسئولیتی مواجه می‌شوند که از قابلیت و توانمندی لازم برای به عهده گرفتن آن در اکثر موارد برخوردار نیستند. چرا که الگوی قالب فکری و عملی بر خانوارهای مرد سرپرستی تکیه دارد و بنا بر این زنان به لحاظ اقتصادی وابسته به مرد خانوار هستند [۸].

جدول ۲- توزیع نسبی سرپرستان خانوار مناطق شهری، روستایی و کل کشور به تفکیک گروه‌های سنی در سرشماری ۱۳۹۵

گروه سنی	مرد سرپرست			زن سرپرست	
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری
کمتر از ۱۵ ساله	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۱	۰/۱
۱۵-۱۹ ساله	۰/۲	۰/۱	۰/۳	۰/۴	۰/۳
۲۰-۲۴ ساله	۲/۳	۱/۹	۳/۶	۱/۳	۱/۱
۲۵-۲۹ ساله	۹/۴	۸/۸	۱۱/۳	۲/۹	۲/۸
۳۰-۳۴ ساله	۱۵/۶	۱۵/۷	۱۵/۳	۵/۰	۵/۲
۳۵-۳۹ ساله	۱۵/۰	۱۵/۲	۱۴/۲	۶/۴	۶/۶
۴۰-۴۴ ساله	۱۲/۵	۱۲/۷	۱۲/۰	۷/۰	۷/۲
۴۵-۴۹ ساله	۱۱/۲	۱۱/۶	۱۰/۰	۸/۴	۸/۷
۵۰-۵۴ ساله	۹/۱	۹/۵	۷/۹	۹/۲	۹/۶
۵۵-۵۹ ساله	۷/۸	۸/۰	۷/۱	۱۰/۷	۱۰/۹
۶۰-۶۴ ساله	۵/۹	۶/۰	۵/۴	۱۱/۳	۱۱/۴
۶۵-۶۹ ساله	۳/۸	۳/۸	۳/۸	۱۰/۶	۱۰/۴
۷۰-۷۴ ساله	۲/۷	۲/۶	۲/۹	۹/۱	۸/۹
۷۵ ساله و بیشتر	۴/۷	۴/۱	۶/۲	۱۷/۷	۱۶/۸
کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: پردازش بر اساس داده‌های سرشماری ۱۳۹۵

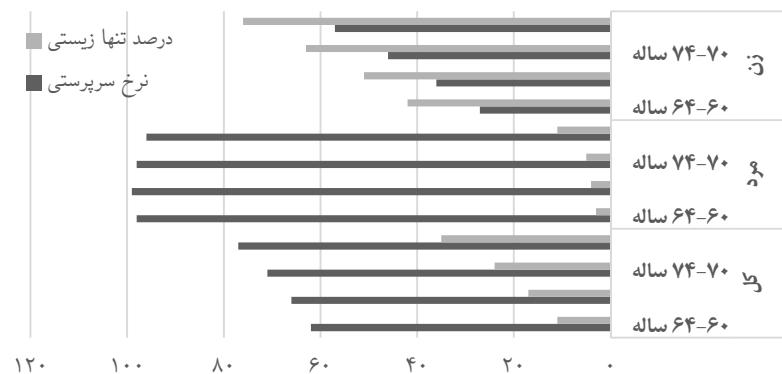
جدول ۳، توزیع نسبی خانوار برحسب جنس سرپرست و افراد تحت تکفل به تفکیک مناطق شهری، روستایی و کل کشور در سرشماری ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. براساس تقسیم‌بندی مرکز آمار ایران افراد تحت تکفل سرپرستان خانوار از ۱ نفر تا ۱۰ نفر دسته‌بندی شده‌اند که در این بخش داده‌های مربوط به خانوارهای ۵ نفر و بیش‌تر در یک ستون گزارش شده‌اند. بیش از ۴۰ درصد زنان سرپرست خانوار، خودسرپرست بوده و به تنهایی زندگی می‌کنند در حالی‌که درصد مردان خودسرپرست بسیار پایین است. مردان مسئولیت سرپرستی خانوار را در ابعاد بزرگ‌تر پذیرفته‌اند. مردان در کل کشور سرپرستی ۳۲/۵ درصد از خانوارهای ۳ نفره را پذیرفته‌اند و این بالاترین نرخ سرپرستی مردان برحسب افراد تحت تکفل است. در حالی‌که بالاترین نرخ سرپرستی زنان برحسب افراد تحت تکفل مربوط به ۴۸/۳ درصد از خانوارهای ۱ نفره‌ی مناطق روستایی است.

جدول ۳- توزیع نسبی خانوار برحسب جنس سرپرست و افراد تحت تکفل به تفکیک مناطق شهری، روستایی و کل کشور در سرشماری ۱۳۹۵

مناطق	مرد سرپرست						زن سرپرست					
	۱ نفر	۲ نفر	۳ نفر	۴ نفر	۵ نفر و بیش‌تر	کل	۱ نفر	۲ نفر	۳ نفر	۴ نفر	۵ نفر و بیش‌تر	کل
کل کشور	۹/۷۱	۲۳/۶۸	۳۲/۵۹	۳۱/۶۷	۱۶/۸۸	۱۰۰	۴۴/۴۰	۲۷/۲۴	۱۶/۹۹	۷/۱۹	۴/۱۷	۱۰۰
مناطق شهری	۳/۱۸	۱۹/۵۷	۳۱/۳۵	۳۱/۴۵	۱۴/۴۴	۱۰۰	۴۳/۱۱	۲۸/۳۶	۱۷/۶۷	۷/۰۹	۳/۷۸	۱۰۰
مناطق روستایی	۳/۴۵	۲۰/۱۵	۲۶/۴۹	۲۸/۲۱	۲۱/۷۰	۱۰۰	۴۸/۳۶	۲۳/۸۱	۱۴/۹۴	۷/۵۱	۵/۳۸	۱۰۰

منبع: پردازش بر اساس داده‌های سرشماری ۱۳۹۵

در شکل ۲ نرخ سرپرستی و درصد تنها زیستی در بین گروه‌های سنی سالمندان در کل کشور در سرشماری ۱۳۹۵ ارایه شده است. یافته‌های نشان می‌دهد که علاوه بر بالا بودن نرخ سرپرستی سالمندان، درصد سالمندانی که به‌صورت تنها زندگی می‌کنند مخصوصاً در بین سالمندان زن بالا و حدود ۷۷ درصد است. نرخ سرپرستی در این گروه سنی به حدود ۵۸ درصد می‌رسد.



شکل ۱- نرخ سرپرستی و درصد تنها زیستی در بین گروه‌های سنی سالمند در کل کشور در سال ۱۳۹۵

جدول ۴، وضع فعالیت سرپرستان خانوار را به تفکیک جنسیت و نقاط شهری و روستایی در سرشماری سال ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. بر اساس تقسیم‌بندی مرکز آمار ایران وضع فعالیت سرپرست خانواده در ۷ گروه شاغل، بیکار، محصل، خانه‌دار، دارای درآمد بدون کار و اظهارنشده تقسیم‌بندی شده است. وضع فعالیت سرپرست خانوار هم به لحاظ جنسیت در بین مردان و زنان و هم محل سکونت شهری و روستایی آمار متفاوتی را نشان می‌دهد. بر این اساس ۶۷/۹ درصد کل سرپرستان خانوار کشور، شاغل هستند که این نسبت برای سرپرست خانوارهای مناطق شهری ۶۶ درصد و برای سرپرستان خانوار مناطق روستایی ۷۳/۴ درصد است. از نظر جنسیت تفاوت در وضعیت اشتغال بسیار بارزتر است، به طوری که ۷۵/۶ درصد خانوارهای مرد سرپرست، شاغل هستند در صورتی که این آمار برای خانوارهای زن سرپرست تنها ۱۴/۶ درصد می‌باشد.

۷۵/۶ درصد خانوارهای مرد سرپرست کل کشور شاغلند که بیشترین درصد این خانوارها در مناطق روستایی (۸۱/۹ درصد) حضور دارند. ۶۱/۸ درصد خانوارهای زن سرپرست کل کشور خانه دار هستند که بازهم در مناطق روستایی بیشترین درصد (۶۸/۳ درصد) این نوع خانوارها گزارش شده‌اند.

جدول ۴- خانوارهای دارای سرپرست ده ساله و بیش‌تر بر حسب جنس، وضع فعالیت و محل سکونت سرپرست در سرشماری ۱۳۹۵

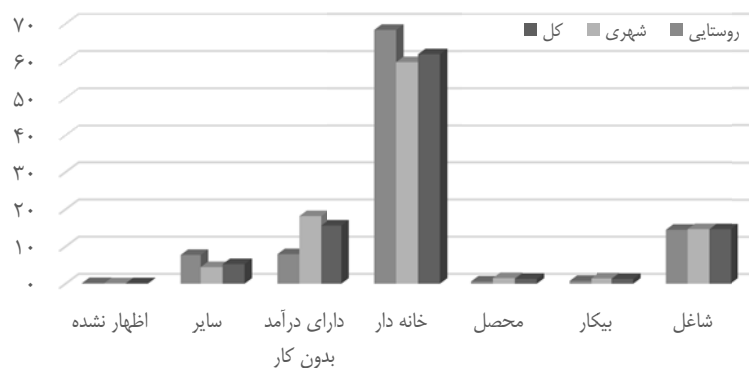
وضع فعالیت سرپرست	کل			مرد			زن		
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی
شاغل	۶۷۹	۶۶	۷۳۴	۷۵۶	۷۳۵	۸۱۹	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۵
بیکار	۳	۳	۳	۳۲	۳۲	۳۳	۱۳	۱۴	۰/۷
محصل	۱۵	۱۸	۰/۸	۱۶	۱۸	۰/۹	۱۳	۱۵	۰/۶
خانه دار	۸۲	۷۹	۹/۱	۰/۴	۰/۴	۰/۶	۶۱۸	۵۹۷	۶۸۳
دارای درآمد بدون کار	۱۳۸	۱۶۳	۶/۲	۱۳۵	۱۶	۵/۹	۱۵۶	۱۸۲	۷/۹
سایر	۵۵	۴۹	۷/۴	۵/۶	۵	۷/۳	۵/۳	۴/۵	۷/۷
اظهار نشده	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۲

۱/۵ درصد سرپرستان خانوار در کل کشور محصل هستند که در مقایسه با سایر وضعیت فعالیت‌ها درصد کم‌تری را به خود اختصاص داده‌اند. بیش‌تر سرپرستان خانوار که محصل هستند در مناطق شهری و مرد هستند به‌طوری که ۱/۸ درصد سرپرستان خانوار در مناطق شهری و ۰/۸ درصد در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. از نظر جنسیتی هم ۱/۶ درصد سرپرستان خانوار که محصل هستند مرد و ۱/۳ درصد زن هستند.



شکل ۲- توزیع خانوارهای مرد سرپرست بر حسب وضع فعالیت و محل سکونت در سرشماری ۱۳۹۵

۸/۲ درصد از کل سرپرستان خانوار خانه‌دار هستند. خانه‌دار بودن در بین سرپرستان خانوار هم به لحاظ جنسیت و هم نقاط شهری و روستایی کاملاً متفاوت است. ۶۱/۸ درصد زنان سرپرست خانوار خانه‌دار هستند که این آمار در مناطق شهری ۵۹/۷ درصد و در مناطق روستایی ۶۸/۳ درصد می‌باشد. در مقابل فقط ۰/۴ درصد کل خانوارهای مرد سرپرست خانه‌دار هستند که این آمار در مناطق شهری و روستایی تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد. در نهایت ۱۳/۸ درصد سرپرستان خانوار دارای درآمد بدون کار و ۵/۵ درصد اظهار نشده هستند.



شکل ۳- توزیع خانوارهای زن سرپرست برحسب وضع فعالیت و محل سکونت در سرشماری ۱۳۹۵

از جمله مؤلفه‌های بسیار مهمی که ارتباط تنگاتنگ با میزان درآمد، کیفیت زندگی، دسترسی به منابع بیشتر و مشاغل بهتر و بالاتر دارد وضعیت و میزان سواد است. وضعیت سواد به‌خصوص در خانوارهای زن سرپرست از جمله عوامل مهمی است که می‌تواند به خانوارها در خروج از فقر و بهبود کیفیت زندگی کمک فراوانی کند. در جدول ۵ وضعیت سواد سرپرستان خانوار به تفکیک مناطق شهری و روستایی آرایه شده است. براساس داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ در ۹۲/۶ درصد از کل خانوارها حداقل یک نفر باسواد وجود دارد و در ۷/۴ درصد از خانوارها هیچ فرد باسوادی وجود ندارد. وضعیت سواد در بین خانوارهای زن سرپرست و مرد سرپرست با یکدیگر متفاوت است، به‌طوری که باسوادی در خانوارهای زن سرپرست کم‌تر از خانوارهای مرد سرپرست است. در ۹۵/۵ درصد خانوارهای مرد سرپرست حداقل یک نفر باسواد وجود دارد در حالی که

آمار زنان متفاوت‌تر بوده و شکاف نسبتاً زیادی بین خانوارهای مرد سرپرست و زن سرپرست وجود دارد و در ۷۲/۵ درصد خانوارهای زن سرپرست حداقل یک نفر باسواد وجود دارد. هرچه به تعداد افراد خانوار افزوده می‌شود میزان باسوادی نیز بالا می‌رود به طوری که در خانوارهای تک نفره به دلیل این‌که اکثراً سالمندانی هستند که به تنهایی زندگی می‌کنند، فقط ۵۳/۹ درصد افراد باسواد هستند در حالی که در خانوارهای ۴ نفره و بیش‌تر این میزان به ۹۹/۴ درصد افزایش می‌یابد.

جدول ۵- وضعیت سواد سرپرستان خانوار به تفکیک نقاط شهری و روستایی و کل کشور در سرشماری ۱۳۹۵

کل کشور									
وضعیت سواد	باسوادی کل		باسوادی در خانوار یک نفره		باسوادی در خانوار دو نفره		باسوادی در خانوار سه نفره		باسوادی در خانوار ۴ نفره و بیش‌تر
	دارد	ندارد	دارد	ندارد	دارد	ندارد	دارد	ندارد	ندارد
کل	۹۲/۶	۷/۴	۵۳/۹	۴۶/۱	۸۶	۱۴	۹۸/۸	۱/۲	۹۹/۴
مرد	۹۵/۵	۴/۵	۷۶/۱	۲۳/۹	۸۴/۴	۱۵/۶	۹۸/۸	۱/۲	۹۹/۷
زن	۷۲/۵	۲۷/۵	۴۲/۷	۵۷/۳	۹۳/۹	۶/۱	۹۸/۳	۱/۷	۹۸/۶
مناطق شهری									
	باسوادی کل		باسوادی در خانوار یک نفره		باسوادی در خانوار دو نفره		باسوادی در خانوار سه نفره		باسوادی در خانوار ۴ نفره و بیش‌تر
	دارد	ندارد	دارد	ندارد	دارد	ندارد	دارد	ندارد	ندارد
کل	۹۴/۶	۵/۴	۶۲/۲	۳۷/۸	۹۰/۷	۹/۳	۹۹/۴	۰/۶	۹۹/۷
مرد	۹۷/۱	۲/۹	۸۲/۸	۱۷/۲	۸۹/۶	۱۰/۴	۹۹/۴	۰/۶	۹۹/۷
زن	۷۷/۹	۲۲/۱	۵۱/۷	۴۸/۳	۸۹/۶	۱۰/۴	۹۹/۱	۰/۹	۹۹/۲
مناطق روستایی									
	باسوادی کل		باسوادی در خانوار یک نفره		باسوادی در خانوار دو نفره		باسوادی در خانوار سه نفره		باسوادی در خانوار ۴ نفره و بیش‌تر
	دارد	ندارد	دارد	ندارد	دارد	ندارد	دارد	ندارد	ندارد
کل	۸۶/۵	۱۳/۵	۳۱/۴	۶۸/۶	۷۱/۷	۲۸/۳	۹۶/۷	۳/۳	۹۸/۷
مرد	۹۰/۹	۹/۱	۵۷/۷	۴۲/۳	۶۹/۳	۳۰/۷	۹۶/۸	۳/۲	۹۸/۷
زن	۵۶	۴۴	۱۸/۳	۸۱/۷	۸۵/۷	۱۴/۳	۹۵/۲	۴/۸	۹۷

علاوه بر جنسیت، وضعیت سواد به لحاظ مناطق شهری و روستایی نیز در بین سرپرستان خانوار متفاوت است. مطابق داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ در ۹۴/۶ درصد سرپرستان

خانوار مناطق شهری حداقل یک نفر باسواد وجود دارد، درحالی که همین آمار در بین سرپرستان خانوار روستایی ۸۶/۵ درصد می‌باشد. میزان باسوادی در بین خانوارهای مردسرپرست شهری ۹۷/۱ درصد در بین خانوارهای زن‌سرپرست شهری ۷۷/۹ درصد است و در مقابل همین آمار برای سرپرستان خانوارهای روستایی کم‌تر بوده به‌طوری که برای خانوارهای مردسرپرست ۹۰/۹ و برای زنان ۵۶/۰ درصد است.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که بیش‌ترین نسبت درصد خانوارهای زن سرپرست مربوط به مناطق شهری با ۱۲/۷ درصد و کم‌ترین مربوط به مناطق روستایی با ۱۲/۵ درصد است. در مقابل بیش‌ترین نسبت درصد خانوارهای مرد سرپرست مربوط به مناطق روستایی با ۸۷/۴ درصد و کم‌ترین آن مربوط به مناطق شهری با ۸۷/۲ درصد می‌باشد. سرپرستی مردان در گروه‌های سنی میانی یعنی ۳۰ تا ۵۰ سالگی در بالاترین حد خود قرار دارد و برخلاف زنان با افزایش سن (گروه‌های سنی ۷۵ سال و بیش‌تر) بار مسئولیت سرپرستی خانوار از دوش مردان کاسته شده است. توزیع سرپرستی خانوار در مناطق شهری و روستایی و کل کشور باهم تفاوت داشته به‌طوری که بالاترین درصد سرپرستی زنان مربوط به مناطق روستایی و گروه سنی ۷۵ سال و بیش‌تر (۲۰/۷ درصد) است. در حالی که مردان سرپرست خانوار مناطق شهری در گروه سنی ۳۴-۳۰ سالگی بیش‌ترین درصد سرپرستی را در مقایسه با مناطق روستایی و کل کشور دارا بوده‌اند.

بیش از ۴۰ درصد زنان سرپرست خانوار، خودسرپرست بوده و به تنهایی زندگی می‌کنند، در حالی که درصد مردان خودسرپرست بسیار پایین می‌باشد. یکی از دلایل این وضعیت می‌تواند نقش نان‌آوری خانوار مردان باشد که پذیرش این نقش سبب می‌شود مردان همیشه مسئولیت سرپرستی افراد خانواده، مادر، خواهر، همسر و حتی در صورت فوت و بیکاری و ازکار افتادگی پدر را نیز برعهده بگیرند، به همین علت هم هست که مردان مسئولیت سرپرستی خانوار را در ابعاد بزرگ‌تر پذیرفته‌اند. مردان در کل کشور سرپرستی ۳۲/۵ درصد از خانوارهای ۳ نفره را پذیرفته‌اند و این بالاترین نرخ سرپرستی مردان برحسب افراد تحت تکفل است. در حالی که بالاترین نرخ سرپرستی زنان برحسب افراد تحت تکفل مربوط به ۴۸/۳ درصد از خانوارهای ۱ نفره مناطق روستایی است. دلیل

کاهش بعد و تعداد افراد تحت تکفل زنان می‌تواند افزایش سن زنان سرپرست و در نتیجه افزایش سن افراد تحت تکفل و استقلال آن‌ها به دلیل اشتغال، ازدواج و یا تحصیل باشد. دلیل دیگر وجود قوانینی چون حضانت که سبب می‌شود زنان در موقع طلاق و جدایی از همسر از سرپرستی فرزندان بازداشته شوند و یا در موقع فوت همسر و در صورت پایین بودن سن فرزندان حضانت و سرپرستی آن‌ها به پدر بزرگ و خانواده‌ی همسر واگذار شود [۸].

از دیگر یافته‌های این پژوهش این است که علاوه بر بالا بودن نرخ سرپرستی سالمندان، درصد سالمندانی که به‌صورت تنها زندگی می‌کنند مخصوصاً در بین سالمندان زن بالاست. حدود ۷۷ درصد سالمندان زن به‌طور تنها زندگی می‌کنند و نرخ سرپرستی در این گروه سنی به حدود ۵۸ درصد می‌رسد، به عبارتی دیگر با افزایش سن بر نسبت سرپرستی زنان افزوده می‌شود. این واقعیه با توجه به تفاوت امید زندگی در زنان و مردان و بالاتر بودن طول عمر زنان به مردان قابل تبیین است. زنان سرپرستی خانوار را در شرایطی به عهده می‌گیرند که خود نیاز به مراقبت، رفاه اقتصادی و اجتماعی، امنیت روانی دارند و در این سن با بار مسئولیتی مواجه می‌شوند که از قابلیت و توانمندی لازم برای به عهده گرفتن آن در اکثر موارد برخوردار نمی‌باشند. همچنین امکان کسب مهارت، تجربه‌های جدید و پذیرش نقش سرپرستی برای آن‌ها در سن سالمندی دشوار است زیرا پیش از سن میانسالی و کهولت تحت سرپرستی مردان بوده‌اند.

از نظر فعالیت نیز تفاوت قابل توجهی در بین سرپرستان خانوار هم در مناطق شهری و روستایی و هم در بین مرد و زن وجود دارد. نتایج این مطالعه نشان داد میزان اشتغال زنان و مردان تفاوت چشمگیری وجود دارد. بیش از ۷۰ درصد سرپرستان خانوار مرد شاغل هستند، در حالی که این میزان برای زنان حدود ۱۲ درصد می‌باشد و حدود ۶۰ درصد زنان سرپرست خانوار خانه‌دار هستند. شکاف قابل ملاحظه‌ای در بین وضعیت سواد سرپرستان خانوار هم به لحاظ جنسیت هم به لحاظ مناطق شهری و روستایی قابل ملاحظه است. زنان سرپرست خانوار از سطح سواد کم‌تری نسبت به مردان سرپرست خانوار برخوردارند. بالاترین نسبت باسوادی برای سرپرستان خانوار در مناطق شهری است که برای خانوارهای مرد سرپرست ۹۷/۱ درصد و برای خانوارهای زن سرپرست ۷۷/۹ درصد است و در مقابل بیش‌ترین درصد بی‌سوادی برای سرپرستان خانوارها در مناطق روستایی گزارش شده است. ۴۴ درصد خانوارهای زن سرپرست بی‌سوادند

در حالی که این نسبت برای خانوارهای مردسرپرست به ۹ درصد در مناطق روستایی کاهش می‌یابد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که اشتغال پایین و سطح سواد پایین در بیش‌تر خانوارهای زن سرپرست در مقایسه با خانوارهای مرد سرپرست می‌تواند کیفیت زندگی این خانوارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نیاز به برنامه‌ریزی مناسب‌تر جهت رسیدگی به وضعیت این خانوارها توسط سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امری ضروری است.

هرچند مطالعه‌های کمی مبتنی بر آمارهای رسمی و تحلیل ثانویه به تنهایی نمی‌تواند وضعیت زنان سرپرست خانوار را به روشنی نشان دهد ولی در این مقاله تلاش شد وضعیت سرپرستی خانوارها در سرشماری ۱۳۹۵ به صورت مقایسه‌ای بررسی شود و اطلاعات مناسبی برای برنامه‌ریزی‌های هر چه بهتر و شایسته‌تر در خور خانواده‌های ایرانی جهت استفاده مسئولین ذیربط ارائه شود.

مرجع‌ها

- [۱] افتخاری، نسرین؛ پاینده، ابولفضل؛ ترابی، فاطمه؛ چگینی، طیبه؛ خسروی، اردشیر؛ رجبی رستمی، مهدیه؛ رضایی قهرودی، زهرا؛ زاهدیان، علیرضا؛ سینیایی، محمدرضا؛ علی‌اکبری صبا، روشنک؛ عسگری، جعفر؛ فاضلی، بتول؛ قاضی طباطبایی، محمود؛ محرابی، یداله؛ مهری نادر؛ محمدی؛ گوهر (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و سلامت خانوارهای زن سرپرست با تأکید بر سیاست‌ها و برنامه‌های پشتیبانی، گروه پژوهشی طرح‌های فنی و روش‌های آماری پژوهشکده‌ی آمار.
- [۲] بلداجی تاتینا، ام‌لیلا؛ فروزان، آمنه؛ رفیعی، حسن (۱۳۹۰). کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی، رفاه اجتماعی، بهار ۱۳۹۰، شماره ۴۰، ص ۹-۲۸.
- [۳] پیروز، محبوبه؛ پیری محمدی، مریم؛ عسکری ندوشن، عباس (۱۳۹۵). روند تحولات اشتغال زنان و شاخص‌های عمده‌ی نیروی کار زنان در ایران طی سال‌های ۹۴-۱۳۸۴، هشتمین همایش ملی انجمن جمعیت‌شناسی ایران.
- [۴] رضایی قادی، خدیجه (۱۳۸۸). شاخص‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، بهار ۱۳۸۲، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۵، ص ۳۵-۵۸.

- [۵] سیدمیرزایی، سیدمحمد؛ عبدالحی، زهرا؛ کمربگی، خلیل (۱۳۹۰). بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان شهر ایلام)، مطالعات امنیت اجتماعی، زمستان ۱۳۹۰، دوره‌ی جدید، شماره ۲۸، ص ۷۹-۱۰۸.
- [۶] صادقی، علی‌اکبر (۱۳۸۸). زنان سرپرست خانوار و آسیب‌های اجتماعی و فردی پیش روی آن‌ها، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار.
- [۷] کاشانی‌نیا، زهرا؛ علیا، زهرا (۱۳۸۸). عوامل استرس‌زا و رابطه‌ی آن‌ها با کیفیت زندگی زنان سرپرست خانواده، مجموعه مقالات دومین همایش توانمندسازی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار.
- [۸] مردانی، مریم (آزاده) (۱۳۸۸). گونه‌شناسی زنان سرپرست خانوار و مقایسه وضعیت آن‌ها با مردان سرپرست خانوار در مناطق شهری استان تهران در سال ۱۳۸۵، دومین همایش توانمندی زنان و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، اداره کل امور بانوان ریاست جمهوری.
- [۹] معیدفر، سعید؛ حمیدی، نفیسه (۱۳۸۶). زنان سرپرست خانوار و ناگفته‌های آسیب‌های اجتماعی، مطالعات جامعه‌شناختی، شماره‌ی ۲۳، ۱۳۱-۱۵۹.
- [۱۰] نازک‌تبار، حسین؛ ویسی، رضا (۱۳۸۶). وضعیت اجتماعی فرهنگی و اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان مازندران، رفاه اجتماعی، دوره ۷، شماره‌ی ۲۷، ص ۹۵-۱۱۳.
- [11] Deborah, S. DeGraff and Richard, E. Bilsborrow (1993). Femaleheaded Households and Family Welfare in Rural Ecuador, journal of population economics, 6, 317- 336.
- [12] Esterlin, R. and Angelescu, L. (2007). Modern Economic Growth and Quality of life: Cross Sectional and Time Series Evidence, Journal of Economic Intelligence, 3, 186-192.
- [13] Zhan, M. and Sherraden, M. (2003). Assets, Expectations, and Children's Educational Achievement in Female Headed household, Social Service Review, 77, 191-211.

محدثه عابدی دیزناب

دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی
یزد، صفاییه، بلوار دانشگاه، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی.
رایانشانی: abedi@stu.yazd.ac.ir

محمد عباسی

دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی
یزد، صفاییه، بلوار دانشگاه، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی.
رایانشانی: mabbasi@stu.yazd.ac.ir

ملیحه علی‌مندگاری

دکتری جمعیت‌شناسی
یزد، صفاییه، بلوار دانشگاه، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی.
رایانشانی: m.alimondegari@yazd.ac.ir